

## بررسی وضعیت مضیقه ازدواج در ایران (براساس سرشماری ۱۳۸۵)\*

وکیل احمدی\*\*

رضا همتی\*\*\*

### چکیده

هدف از نگارش مقاله حاضر بررسی وضعیت ازدواج و زناشویی و مضیقه ازدواج با روش تحلیل ثانویه و اتکا به داده‌های سرشماری سال ۱۳۸۵ می‌باشد. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که نسبت جمعیت ازدواج نکرده به تفکیک گروه‌های سنی و مناطق شهری و روستایی متفاوت است. همچنین با افزایش سطح تحصیلات، میزان جمعیت ازدواج نکرده افزایش می‌یابد، البته این افزایش برای هر دو جنس، در مناطق روستایی بیش از مناطق شهری است. نتایج محاسبه مضیقه ازدواج نیز نشان می‌دهد تا سال ۱۳۹۰، تقریباً مضیقه یا تنگنای ازدواج برای دختران وجود دارد و در دهه ۱۳۹۰ این تنگنا برای پسران خواهد بود، البته شدت این مضیقه خیلی زیاد نیست و جوانان خود را در بازار منعطف ازدواج با توزیع سنی همسران در دسترس و موجود سازگار خواهند کرد.

### کلید واژه

ازدواج، مضیقه ازدواج، زنان، تحصیلات، نسبت جنسی، سرشماری ۱۳۸۵

\*- تاریخ دریافت: ۸۷/۶/۱۵؛ تاریخ تصویب نهایی: ۸۷/۹/۱۰

\*\* - دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه اصفهان [vakilahmadi@gmail.com](mailto:vakilahmadi@gmail.com)

\*\*\* - دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه اصفهان [rhemati@gmail.com](mailto:rhemati@gmail.com)

## ۱) مقدمه و طرح مسئله

ازدواج یکی از مهمترین وقایع حیاتی در کنار وقایع حیاتی دیگر چون تولد، مرگ و میر و طلاق است که از جنبه‌ها و ابعاد گوناگون شایسته بررسی و مطالعه می‌باشد. در کشور ما که به لحاظ ساختار سنی، بخش اعظم جمعیت آن را جوانان و نوجوانان تشکیل می‌دهد، مطالعه این امر اهمیت زیادی به خصوص از لحاظ سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی دارد، زیرا مسائل و مشکلات و نابسامانی‌های موجود در این بخش می‌تواند پیامدهای ناخواسته فرهنگی و اجتماعی ناگواری در سطح فردی و اجتماعی در پی داشته باشد. به بیان دیگر، آثار ازدواج بیش از آن که در فرد قابل ملاحظه باشد، در سطح کلان اجتماع قابل مشاهده است.

نگرش‌های فرهنگی در مورد ازدواج، وضعیت اشتغال و بیکاری جوانان، امید به آینده، تحصیلات و غیره می‌تواند روند طبیعی این پدیده را دچار اختلال کند. البته بایستی توجه داشت که ساختار جمعیتی جامعه نیز می‌تواند مستقیماً بر وضعیت ازدواج در جامعه تأثیر گذارد، با این حال اجماع نظر نسبی بیانگر تأثیر تعاملی ساختار جمعیتی و متغیرهای فرهنگی و اجتماعی و حتی سیاسی در وضعیت ازدواج زنان است. محققان برای تبیین تغییرات مربوط به الگوی ازدواج (بالا رفتن سن ازدواج، افزایش مجرد قطعی و...) به عواملی نظیر صنعتی شدن (گود<sup>۱</sup>، ۱۹۶۳)؛ افزایش نقش زنان در اقتصاد خانواده (بکر<sup>۲</sup>، ۱۹۸۵)؛ افزایش تحصیلات زنان همراه با استقلال اقتصادی آنان (وان دی کا<sup>۳</sup>، ۱۹۸۷) و تغییر در نگرش و ارزش‌های جوانان (لستاچی<sup>۴</sup>، ۱۹۸۳) اشاره می‌کنند (آقا، ۱۳۸۳: ص ۲۲۳).

در کشورهای در حال توسعه به تعویق انداختن ازدواج، کاهش باروری، بالا رفتن میزان مشارکت زنان در نیروی کار، افزایش نرخ طلاق و افزایش تعداد زنان سرپرست خانوار نشانه‌هایی از تأثیرات امواج سنگین تحولاتی است که عمدتاً متوجه نظام عاطفی و حقوقی روابط دو جنس و نهادهای مرتبط با آن به ویژه خانواده شده است. این

- 
1. Goode
  2. Becker
  3. Van de Kaa
  4. Lesthaeghe

تغییرات اعم از آن که نتیجه انتقال دموگرافیک یا نتیجه انقلاب تکنولوژیک و ارتباطی دوران حاضر باشد، بیش از همه، ساختارها و سبک زندگی جوانان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. به عبارت دیگر، نفوذپذیری از طریق ارتباطات الکترونیکی همسانی زیادی در استانداردها، ارزش‌ها و سبک‌های زندگی طبقه متوسط در سراسر جهان به وجود می‌آورد (درودی، ۱۳۸۳: ص ۲۴۱). تحولات در حوزه خانواده و ازدواج در ایران به جهت تقارن با مسأله بیکاری و مضیقه ازدواج جوانان می‌تواند در صورت عدم توجه ویژه، بحران‌زا باشد.

در این مقاله کوشش می‌شود ابتدا به بررسی مفهومی مضیقه یا تنگنای ازدواج پرداخته شود، سپس با اتکا به برخی مطالعات صورت گرفته در سایر کشورها و تجربیات آنها، علل، پیامدها و روش‌های فائق آمدن بر این مسأله مورد بررسی قرار خواهد گرفت و در نهایت با استفاده از روش تحلیل ثانویه و با اتکا به داده‌های سرشماری سال ۱۳۸۵ به بررسی وضعیت ازدواج و مضیقه ازدواج در ایران خواهیم پرداخت.

## ۲) حوزه مفهومی مضیقه ازدواج

مضیقه ازدواج<sup>۱</sup> به صورتی مبهم برای توصیف و توضیح تأثیر عدم توازن تعداد مردان و زنان در سن ازدواج به کار رفته است (Schoen, 1983: pp 61-78). در یک تعریف ساده، مضیقه ازدواج را می‌توان عدم تعادل در تعداد مردان یا زنان در سن ازدواج تعریف کرد (عدم تقارن در دسترسی به همسران بالقوه).

مضیقه ازدواج یا عدم توازن نسبت‌های جنسی در سنین ازدواج، یکی از پدیده‌هایی است که در جریان‌گذار جمعیتی بروز می‌کند. در جوامعی که تک‌همسری و فاصله سنی زوجین به هنگام ازدواج، رفتارهای غالب ازدواج را تشکیل می‌دهند، مولید مربوط به دوران کاهش سریع مرگ و میر و رشدهای شتابان جمعیت، با رسیدن به سنین ازدواج با عدم توازن در تعداد دو جنس روبرو می‌شوند (درودی، ۱۳۸۳: ص ۲۴۰).

---

1. Marriage Squeeze

عدم تعادل در بازار ازدواج می‌تواند بر مبنای اینکه کدام جنس در مضیقه است، دسته‌بندی شود. از نظر «استیو و کیبر»<sup>۱</sup> دو نوع متمایز مضیقه ازدواج وجود دارد که هر یک از آنها می‌تواند تأثیرات متفاوتی بر بازار ازدواج داشته باشد:

۱- افزایش تعداد زنان - کمبود مردان؛

۲- افزایش تعداد مردان - کمبود زنان.

در خصوص وجود یا عدم وجود این پدیده در ایران و پیامدهای مترتب بر آن دیدگاه‌های گوناگونی مطرح شده است؛ برخی معتقدند که معضلی به نام تنگنای ازدواج در جامعه وجود ندارد (رک. کوششی، ۱۳۸۳)، برخی نیز بر وجود آن تأکید دارند و حتی مبادرت به ارائه آمار تعداد افرادی نموده‌اند که با وضعیت موجود به واسطه عدم تعادل نسبت جنسی، ازدواج نمی‌کنند (رک. جعفری مزدهی، ۱۳۸۲؛ درودی، ۱۳۸۳).

### ۳) عوامل مؤثر بر شکل‌گیری مضیقه ازدواج

اندیشمندان اجتماعی، بازار ازدواج را صرفاً از لحاظ جمعیت شناختی مورد توجه قرار داده‌اند، یعنی دسترسی نسبی به همسران متناسب با هر گروه سنی. به عبارت دیگر، آنها سن را ملاک صرف انتخاب همسران در نظر گرفته‌اند، این در حالی است که سایر متغیرهای غیر جمعیت شناختی نیز بایستی در این خصوص لحاظ شوند.

از نظر استیو و کیبر، عدم توازن در تعداد زنان و مردان در سن مناسب ازدواج، منجر به شکل‌گیری مضیقه ازدواج می‌گردد. الگوهای ازدواج بایستی بیانگر ترجیحات در همسرگزینی باشد. هنگامی که ترکیب جنسی - سنی بازار ازدواج در تعادل کامل است، تعداد یکسانی از مردان و زنان در همه سطوح سنی وجود دارند. با این حال، این وضعیت بهینه همیشه حاصل نمی‌گردد؛ برای مثال، تفاوت‌های جنسی در مرگ و میر یا الگوهای مهاجرت می‌تواند به سهولت با افزایش یا کاهش جمعیت زنان و مردان در سطوح سنی مشخص، موجب عدم تعادل در بازار ازدواج گردد.

حداقل سه عامل مهم در اواسط زندگی بر بازار ازدواج تأثیر می‌گذارند؛ نوسانات باروری که به دلیل فقدان افراد غیرهمجنس<sup>۱</sup> متناسب با سن، موجب مضیقه ازدواج

می‌شود؛ افزایش تفاوت‌های جنسی در مرگ و میر که منجر به کاهش مشخص در نسبت جنسی سال‌های بعدی می‌شود و عامل سوم که بسیار مهمتر است، عملکرد هنجارهای همسرگزینی مبتنی بر سن می‌باشد که اختلاف‌ها و ناهمسانی‌های فاحشی را در مجموعه ممکن واجدین شرایط، برای زنان و مردان موجب می‌گردد (Veevers, 1988: pp169-189). در بیشتر مواقع، هایپرگامی<sup>۲</sup> (ازدواج مردان با زنان جوان‌تر از خود) به عنوان یک صفت و خصیصه‌ای که به طور سلسله مراتبی توزیع شده، می‌تواند منجر به مضیقه ازدواج شود. در جوامع قشربندی شده، حتی ازدواج زنان با مردانی که از لحاظ ویژگی‌هایی چون ثروت، قدرت، منزلت، سطح آموزش، خلوص مذهبی در موقعیت بهتری نسبت به آنها قرار دارند نیز می‌تواند زمینه ساز بروز مضیقه ازدواج گردد. از این منظر، مضیقه ازدواج بر اساس محوریت سن، تنها مورد خاصی از یک پدیده فرهنگی بسیار عام می‌باشد (Billige, 1991: pp 341-360).

در مطالعات انجام شده با بررسی جریان مهاجرت از روستا به شهر، خروج مردان جوان و مجرد از روستا منجر به مضیقه ازدواج می‌گردد. همچنین ترجیح جنسیتی خانواده‌ها برای داشتن فرزند پسر، با فرض امکان جلوگیری از به دنیا آمدن فرزندان دختر، منجر به برهم خوردن نسبت جنسی می‌گردد. در این حالت، هنگامی که این افراد به سن ازدواج می‌رسند در تعداد دختران و پسران موجود در سنین ازدواج عدم تعادل وجود خواهد داشت (رک. جعفری مژده‌ی، ۱۳۸۲).

#### ۴) پیامدهای مضیقه ازدواج زنان

از جمله پیامدهای مضیقه ازدواج برای زنان، کاهش امکان ازدواج و احتمال گرایش به داشتن روابط جنسی بدون ازدواج و متعاقب آن تولد فرزندان خارج از چارچوب ازدواج رسمی است. با افزایش فرزندان نامشروع<sup>۳</sup> نیز قبح اجتماعی فرزندان غیرقانونی<sup>۴</sup> از بین می‌رود که به نوبه خود، اهمیت اجتماعی ازدواج کردن یا نکردن را کمرنگ‌تر خواهد نمود. گسیختگی ارتباط بین باروری و ازدواج، منجر به تغییر بسیاری از

- 
1. cross sex
  2. hyper gamy
  3. illegitimate babies
  4. social significance of bastardy

نرخ‌های جمعیت‌شناختی وابسته به هم، همچون افزایش زنان ازدواج نکرده، روابط جنسی قبل از ازدواج، باروری قبل از ازدواج، ازدواج‌های غیر رسمی، تولدهای غیرمشروع و خانوارهای مادر - فرزند می‌شود. سن اولین ارتباط و آمیزش جنسی کاهش یافته، اما سن ازدواج بار اول، افزایش می‌یابد.

در دوران مضيقه ازدواج، زنان ازدواج نکرده، بخش عمده‌ای از زندگی خویش را بدون همسر سپری می‌کنند. فقدان حمایت مالی از سوی مردان، مستلزم سرمایه‌گذاری در اشتغال است و اشتغال، نوعی امنیت را برای آنها فراهم می‌آورد. مضيقه ازدواج زنان، از طرفی موجب افزایش سهم زنان در نیروی کار گشته و از طرف دی‌گر منجر به کاهش باروری می‌گردد.

مطالعات میدانی محققان اجتماعی ویتنامی نشان می‌دهد زنان مجردی که تا سن ۳۰ سالگی امیدشان به پیدا کردن شوهر قطع می‌شود، گرایش بیشتری به داشتن بچه دارند. در مجموع، مازاد زنان، گزینه‌ها و انتخاب‌های مرسوم و سنتی مردان برای ازدواج مجدد بعد از طلاق یا بیوگی را تسهیل می‌کند و حتی امکان دارد سنت چند همسری<sup>۱</sup> و صیغه را از نو احیا کند (Goodkind, 1997: p11).

از نظر دیویس<sup>۲</sup>، پیامدهای عدم توازن، طیف گسترده‌ای را تشکیل می‌دهند؛ بخش بزرگی از زنان ممکن است برای همیشه مجرد باقی بمانند؛ برخی نیز ممکن است دیرتر ازدواج کنند؛ تعداد زیادی از زنان مسن ممکن است با زنان جوان به رقابت برخیزند؛ زنان ممکن است مردان جوان را به شوهری برگزینند یا با مردانی به مراتب مسن‌تر و قبلاً ازدواج کرده، وصلت کنند؛ شانس ازدواج مجدد زنان طلاق گرفته یا بیوه محدود شود یا زنان با مردانی ازدواج کنند که در شرایط قبل از مضيقه ازدواج هرگز آنها را به همسری انتخاب نمی‌کردند. هر کدام از این تأثیرات می‌تواند به شکل‌گیری الگوهای رفتاری جدید یا ظهور پدیده‌های جدید در جامعه منجر شود. دیویس معتقد است به دنبال تغییرات جمعیت‌شناختی، الگوهای جدید اجتماعی، به صورتی غیرآگاهانه، پدید می‌آیند تا با تغییرات اساسی جمعیت‌شناختی موجود انطباق پیدا کنند، تغییراتی که به گفته دیویس ایده‌آل‌ها و الگوهای قدیمی را در این جوامع غیر

- 
1. polygamy
  2. Davis

عملی ساخته و افراد را به سمت رفتارهای جدید و تغییر ساختار سنتی نقش‌های اجتماعی مرد و زن سوق داده است (cf. Davis, 1982). در صورت صحت وقوع تنگنای ازدواج که به زعم برخی محققان در دهه حاضر به ضرر جمعیت زنان بوده است، گاه رویه چندهمسری اتخاذ می‌شود. در حالی که واکنش جامعه نسبت به تأخیر در ازدواج در اثر فشارهایی همچون فشار اقتصادی، گسترش بیکاری و دیگر عوامل اجتماعی-اقتصادی، ضرورتاً از طریق چند همسری صورت نمی‌گیرد و به نظر می‌رسد راه‌حل‌های ساده‌تری نیز پیش روی می‌باشد. از سوی دیگر، پاسخ پرسش یاد شده، مستلزم انجام مطالعات متعدد جامعه در مورد ازدواج و نظام همسرگزینی، ارزش‌ها و نگرش‌ها و تأثیر شرایط اقتصادی و دیگر عوامل اجتماعی است (رک. کوششی، ۱۳۸۳). علی‌رغم نتیجه‌گیری‌های حاصل از مدل‌ها و تحلیل‌های تجربی، مضیقه ازدواج قطعی و نهایی نیست. مضیقه ازدواج سطوح (نسبت ازدواج کرده‌ها) یا مضیقه ازدواج توزیع (تفاوت بین متوسط سن ازدواج مردان و زنان)، ازدواج‌ها را به شیوه مورد انتظار مدل‌های نظری تغییر نمی‌دهد. مضیقه بازار ازدواج می‌تواند از طریق مکانیسم‌های مختلفی برطرف گردد. برای مثال، عموماً اظهار می‌شود که تغییرات جمعیتی سریع که در کشورهای آفریقایی جنوب صحرا<sup>۱</sup> رخ داده به چند همسری<sup>۲</sup> راجع است. اما در جوامعی که چند همسری وجود ندارد، مضیقه ازدواج از طرق متفاوتی حل می‌گردد. غالباً مشاهده می‌شود که سطح ازدواج حتی در بدترین شرایط به ندرت متأثر از مضیقه ازدواج است (cf. Esteve & Cabre, 2004).

از نظر هنری<sup>۳</sup>، تفاوت شدید در ترکیب سنی-جنسی که منجر به کاهش شدید مردان در جنگ جهانی اول شد، تأثیر اندکی بر سطح ازدواج داشته است. جوامع مورد نظر وی به سهولت از طریق بهبود و اصلاح توزیع ازدواج‌ها، خود را با عدم تعادل جنسی و سنی تطبیق داده‌اند. عروس‌ها و دامادها علی‌رغم فشارها و محدودیت‌های موجود، خود را با توزیع سنی همسران در دسترس و موجود سازگار کرده‌اند. بازار ازدواج و همین‌طور ترجیحات سنی، منعطف و قابل تغییر است. تجارب ایالات متحده

- 
1. Sub-Saharan
  2. polygamy
  3. Henry

در قرن ۲۰ نشان می‌دهد که مضيقه ازدواج تأثیر زیادی بر سطح ازدواج، یعنی نسبت ازدواج کرده‌ها ندارد، اما بر توزیع آنها تأثیرات چشمگیری دارد (Ibid).

### ۵) بررسی وضعیت ازدواج در ایران

برای بررسی تغییرات الگوی ازدواج در یک جامعه معمولاً از شاخص‌های میانگین سن ازدواج، نسبت همسررداری در گروه‌های سنی ازدواج، جدول زناشویی، نسبت جنسی جمعیت در سن ازدواج و نسبت جنسی ازدواج نکرده‌ها استفاده می‌شود. در هیچ روشی، راه‌حل کاملی که تمام پیچیدگی‌های بازار ازدواج را لحاظ کند، وجود ندارد. آسان‌ترین معیار برای بررسی وضعیت توازن یا عدم توازن نسبت جنسی در سنین ازدواج (مضيقه ازدواج)، نسبت جنسی در سنین ازدواج است که مردان در سنین مشخص را با زنان در  $X$  سن جوان‌تر مقایسه می‌کند<sup>۱</sup>. محقق برای استفاده از این روش، پیش فرضی را که همیشه مطابق با واقعیت نیست باید بپذیرد که در صورت ثابت ماندن اثر همه عوامل دیگر (مرگ و میر، مهاجرت و ...)، توازن یا عدم توازن دو جنس به وقوع خواهد پیوست.

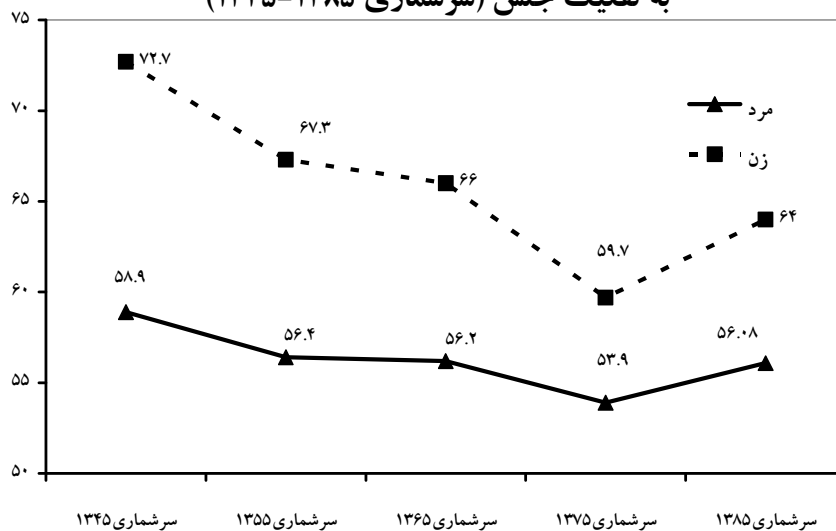
برای بررسی تحولات الگوی ازدواج در ایران، ابتدا به تغییرات وضعیت زناشویی و فاصله سنی زوجین که یکی از دلایل ایجاد عدم توازن در نسبت‌های جنسی در سنین ازدواج است، می‌پردازیم و سپس با توجه به آمار و اطلاعات به دست آمده از مرکز آمار ایران به ویژه سرشماری ۱۳۸۵ به بررسی مضيقه ازدواج خواهیم پرداخت.

---

<sup>۱</sup> -  $X$  میانگین تفاوت‌های سنی مشاهده شده بین زوجین است.



نمودار شماره (۱): نسبت جمعیت حداقل یکبار ازدواج کرده ۱۰ ساله و بیشتر به تفکیک جنس (سرشماری ۱۳۴۵-۱۳۸۵)



منبع: نتایج سرشماری ۱۳۴۵ تا ۱۳۸۵ کل کشور

بر اساس نمودار فوق، نسبت جمعیت حداقل یکبار ازدواج کرده در طی سرشماری‌های گذشته، کاهش یافته است اما این نسبت در سرشماری ۱۳۸۵ نسبت به سرشماری ۱۳۷۵ افزایش یافته است. این افزایش بیشتر از تغییرات ترکیب سنی جمعیت ایران ناشی می‌گردد چرا که افزایش جمعیت دهه‌ی ۱۳۶۵-۱۳۵۵ در سرشماری ۱۳۷۵ در سنین کمتر از ۲۰ ساله بوده که کمتر در معرض ازدواج بوده‌اند، اما در سرشماری ۱۳۸۵، جمعیت مذکور در سن ازدواج بوده و بنابراین شاخص نسبت جمعیت ازدواج کرده را تحت تأثیر قرار داده و موجب افزایش آن شده‌اند. کاهش نسبت جمعیت حداقل یکبار ازدواج کرده و افزایش سن در اولین ازدواج در جامعه ایرانی به ویژه در مورد دختران، واقعیتی است که از مجموعه عوامل تأثیرگذار در توسعه، به ویژه میزان آموزش، متأثر شده است. براساس اطلاعات موجود، میزان اشتغال به تحصیل دختران ۱۹-۱۰ ساله ایرانی از ۲۴/۷ درصد در سال ۱۳۴۵ به حدود ۸۰

درصد در سال ۱۳۸۵ رسیده است (رک. مرکز آمار ایران، ۱۳۸۶). این افزایش چشمگیر در سطح تحصیلات و آموزش و بیکاری جوانان از مهمترین عواملی است که در کاهش نسبت جمعیت ازدواج کرده و تأخیر ازدواج مؤثر بوده است.

**جدول شماره (۱): نسبت جمعیت هرگز ازدواج نکرده بر حسب جنس و مناطق، تفکیک گروه های سنی (سرشماری ۱۳۸۵)**

گروه سنی	۲۰-۲۴	۲۵-۲۹	۳۰-۳۴	۳۵-۳۹
مرد شهری	۸۰/۴	۳۸/۶	۱۳/۱	۵/۴
مرد روستایی	۷۳/۶	۳۱/۲	۹/۹	۳/۶
زن شهری	۵۰/۳	۲۲/۶	۱۰/۱	۵/۶
زن روستایی	۴۶/۴	۲۶/۴	۱۴/۷	۷/۳

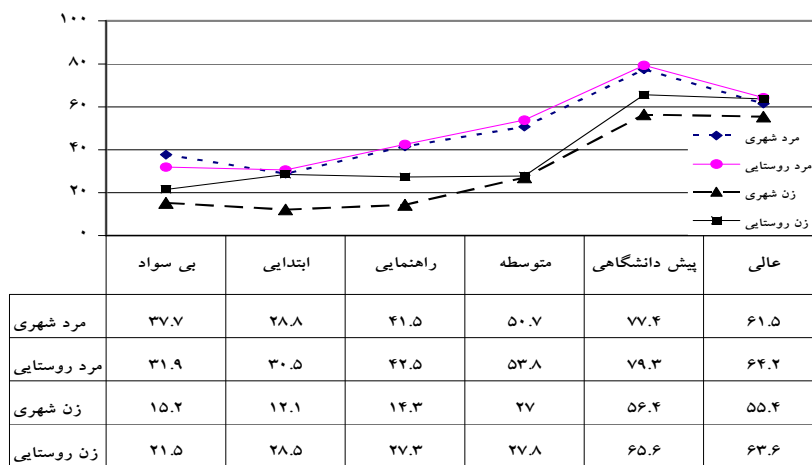
منبع: نتایج سرشماری ۱۳۸۵ کل کشور

همچنان که در جدول شماره (۱) دیده می شود، نسبت جمعیت هرگز ازدواج نکرده در گروه های سنی مختلف برحسب مناطق شهری و روستایی متفاوت است. این نسبت برای مردان در تمام گروه های سنی در مناطق شهری بیشتر از مناطق روستایی است. اما برای زنان در گروه سنی ۲۰-۲۴ ساله به دلیل پایین بودن سن ازدواج دختران در مناطق روستایی و به تأخیر انداختن سن ازدواج در مناطق شهری، نسبت جمعیت ازدواج نکرده در مناطق شهری بیشتر از مناطق روستایی است. در گروه های سنی ۲۵-۲۹، ۳۰-۳۴ و ۳۵-۳۹ ساله، نسبت جمعیت ازدواج نکرده در مناطق روستایی بیشتر از مناطق شهری است که دلیل اصلی آن تنگنای ازدواج برای دختران می باشد که در مناطق روستایی بیشتر از مناطق شهری است. جمعیت ازدواج نکرده در دو گروه سنی ۳۰-۳۴ و ۳۵-۳۹، بیشتر از تنگنای ازدواج ناشی می شود تا تأخیر ازدواج. به طور کلی، از این جدول، هم به تأخیر ازدواج و هم به تنگنای ازدواج در مورد جمعیت ایران می توان رسید. در مورد تنگنای ازدواج برای دختران مناطق روستایی می توان به عامل

مهاجرت اشاره نمود؛ زیرا معمولاً در مناطق روستایی مهاجرفرست، نیروی کار جوان مرد وجود دارد و این منجر به عدم تعادل در نسبت جنسی در گروه‌های سنی ازدواج می‌شود که در نهایت، تنگنای ازدواج برای دختران در مناطق روستایی مهاجرفرست را به همراه دارد. این تغییرات نشان می‌دهد که عوامل مؤثر بر کاهش نسبت ازدواج، اثر بیشتری بر زنان، به ویژه در جامعه روستایی، داشته است. تحولات سرعت عدم ازدواج در جامعه شهری کمتر از جامعه روستایی است.

برای بررسی تأثیر تحصیلات بر وضعیت ازدواج، نسبت اختصاصی جمعیت ازدواج نکرده برای افراد ۲۰-۳۴ ساله در نمودار شماره (۲) آورده شده است. این نسبت بر حسب تحصیلات برای جمعیت ۲۰-۳۴ ساله اختصاصی شده است و تقریباً برای زیر جمعیت‌های مختلف قابل مقایسه است. در اینجا نسبت اختصاصی جمعیت ازدواج نکرده از تقسیم جمعیت ازدواج نکرده ۲۰-۳۴ ساله به جمعیت ۲۰-۳۴ ساله در سرشماری، ضربدر ۱۰۰ بدست آمده است. برای مثال، نسبت اختصاصی جمعیت ازدواج نکرده با تحصیلات عالی از تقسیم تعداد جمعیت ازدواج نکرده ۲۰-۳۴ ساله با تحصیلات عالی به جمعیت ۲۰-۳۴ ساله با تحصیلات عالی بدست آمده است.

نمودار شماره (۲): نسبت جمعیت هرگز ازدواج نکرده بر حسب تحصیلات به تفکیک مناطق شهری و روستایی بر اساس سرشماری ۱۳۸۵



منبع: محاسبه شده بر اساس نتایج سرشماری ۱۳۸۵ کل کشور

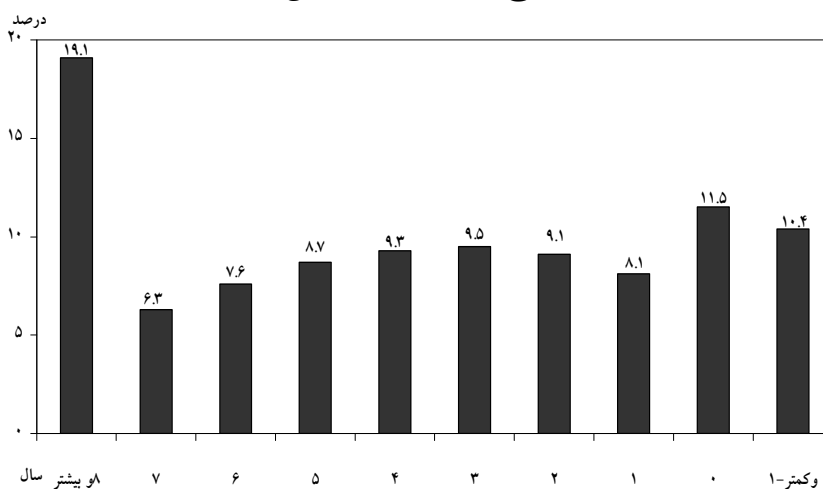
نمودار شماره (۲) نشان می‌دهد که نسبت اختصاصی جمعیت ازدواج نکرده بر حسب تحصیلات به تفکیک جنس و مناطق شهری و روستایی متفاوت است. با افزایش سطح تحصیلات، نسبت جمعیت ازدواج نکرده نیز بیشتر شده است، البته این رابطه در مورد مقطع پیش دانشگاهی صادق نیست، زیرا افراد برای قبولی در دانشگاه و ورود به مقطع بالاتر، ازدواج خود را به تأخیر می‌اندازند. با توجه به نمودار فوق، می‌توان نتیجه گرفت نسبت جمعیت ازدواج نکرده در مردان بیش از زنان است که این افزایش تا حدی می‌تواند از دامنه سنی انتخاب شده (۲۰-۳۴ ساله) برای محاسبه این شاخص ناشی شده باشد. بنابراین این مقایسه مناسب به نظر نمی‌رسد. نکته دیگر آن که نسبت جمعیت ازدواج نکرده در هر دو جنس در مناطق روستایی بیش از مناطق شهری است. به نظر می‌رسد که تحصیلات عالی در مناطق روستایی بیش از مناطق شهری بر وضعیت ازدواج تأثیر گذاشته است. همچنان که قبلاً اشاره شد، مهاجرت مردان جوان جویای کار نیز در افزایش جمعیت زنان ازدواج نکرده در مناطق روستایی نسبت به

مناطق شهری تأثیرگذار است که نهایتاً منجر به از دست رفتن شانس ازدواج برای دختران در مناطق روستایی شده است.

معمولاً برای بررسی مضیقه ازدواج از شاخص نسبت جنسی در گروه‌های سنی در سن ازدواج استفاده می‌شود و عدم تعادل در نسبت جنسی به عنوان مضیقه ازدواج برای یک جنس در نظر گرفته می‌شود. لذا برای محاسبه نسبت جنسی، جمعیت یک سن یا گروه سنی از مردان را بر جمعیت همان سن یا گروه سنی از جمعیت زنان و یا بسته به میانگین تفاوت سنی زوجین در هر جامعه، بر جمعیت زنان چند سال پایین‌تر یا یک گروه سنی پایین‌تر، تقسیم می‌کنند. شاخص نسبت جنسی برای بررسی مضیقه ازدواج را می‌توان هم به تفکیک گروه‌های سنی یا سنین منفرد و هم برای کل جمعیت در سن ازدواج محاسبه نمود. اگر میانگین تفاوت سنی زوجین کم باشد و دامنه یا گستره همسرگزینی به لحاظ سنی، واریانس زیادی نداشته باشد، استفاده از میانگین واقعی تفاوت سنی زوجین برای محاسبه نسبت جنسی به تفکیک سنین منفرد خطای زیادی به همراه ندارد. اما در جوامعی که دامنه همسرگزینی و میانگین فاصله سنی زوجین زیاد است، استفاده از این روش برای محاسبه نسبت جنسی به تفکیک گروه‌های سنی در برآورد مضیقه ازدواج دچار خطا خواهد بود؛ زیرا شاخص میانگین تفاوت سنی زوجین با توجه به این که متأثر از مقادیر کناری توزیع سنی است، معیاری کلی بوده و تفاوت‌ها را نادیده می‌گیرد. در چنین مواردی، یک روش اجتناب از برآوردهای تورش‌دار، استفاده از نسبت جنسی وزنی است که برای محاسبه آن نیاز به جدول توزیع سنی همسرگزینی می‌باشد. در نسبت جنسی وزنی، نیازی به در نظر گرفتن میانگین تفاوت فاصله سنی زوجین نبوده و می‌توان آن را برای گروه‌های سنی یا سنین منفرد محاسبه نمود. روش دیگر، استفاده از نسبت جنسی برای کل جمعیت در سن ازدواج با در نظر گرفتن همان میانگین فاصله سنی زوجین است. برای روشن‌تر شدن مسئله، نمودار توزیع درصدی ازدواج‌های ثبت شده در سال ۱۳۸۵ بر حسب اختلاف سن زوج به زوج آورده شده است. بر اساس آمار ثبت احوال کل کشور، در سال ۱۳۸۵ تعداد ۷۷۸۲۹۱ ازدواج ثبت شده است (رک. سازمان ثبت احوال کشور، ۱۳۸۶). لازم به ذکر است که آمار ارائه شده از سوی سازمان ثبت احوال کل کشور، افرادی را که بیش از

یکبار ازدواج کرده‌اند را در بر می‌گیرد که به علت قلت موارد از آن صرف‌نظر شده است.

### نمودار شماره (۳): توزیع اختلاف سن زوج به زوج به اساس ازدواج‌های ثبت شده سال ۱۳۸۵

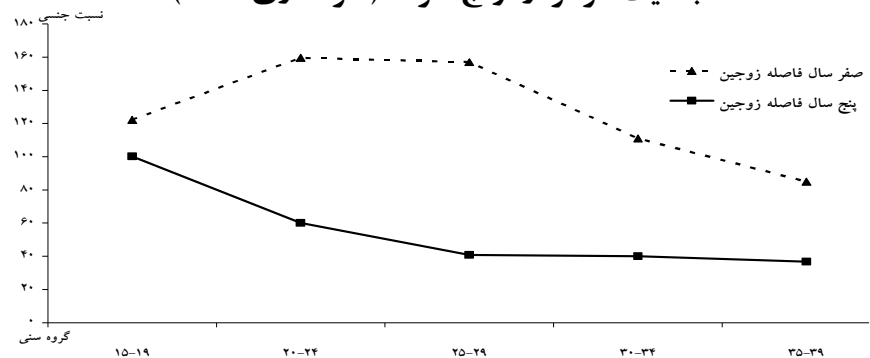


منبع: محاسبه شده بر اساس نتایج سالنامه آماری ثبت احوال کشور ۱۳۸۵

بر اساس نمودار فوق می‌توان گفت همسان‌گزینی به لحاظ سنی در الگوی ازدواج جمعیت ایران دیده نمی‌شود و نمی‌توان به طور قطع یک فاصله سنی خاص را برای زوجین مشخص و آن را پایه محاسبات تنگنا و مضيقه ازدواج قرار داد. مطابق این نمودار، تقریباً در بیش از ۱۰ درصد از ازدواج‌ها، سن مرد کمتر از سن زن می‌باشد. همچنین در ۲۰ درصد از ازدواج‌های صورت گرفته، فاصله سنی زوجین یک سال و کمتر است و در نزدیک به ۲۰ درصد از ازدواج‌ها، مردان هشت سال از زنان بزرگتر هستند. این موضوع به آن معناست که گستره سنی همسرگزینی بسیار فراتر از فاصله سنی پنج سال است. بنابراین، با توجه به توزیع فاصله سنی زوجین که دارای واریانس زیادی می‌باشد، برای محاسبه توازن یا عدم توازن نسبت جنسی در سنین ازدواج، نباید یک میانگین خاص را معیار قرار داد و بر مبنای آن توازن نسبت جنسی به

تفکیک گروه‌های سنی را محاسبه نمود؛ زیرا میانگین، یک شاخص مرکزی است که تحت تأثیر مقادیر کناری قرار می‌گیرد و در این صورت، دارای برآوردهای تورش‌دار خواهیم بود. لذا برای محاسبه توازن نسبت جنسی، بهتر است یا از نسبت جنسی وزنی به تفکیک گروه‌های سنی یا از نسبت جنسی ساده برای کل جمعیت در سنین ازدواج با در نظر گرفتن میانگین تفاوت فاصله سنی زوجین استفاده شود. محاسبه به تفکیک گروه‌های سنی نیز دارای خطا خواهد بود. در نمودار شماره (۴)، برای نشان دادن این خطا، نسبت جنسی به تفکیک گروه‌های سنی با فرض صفر و پنج سال فاصله سنی زوجین آورده شده است.

#### نمودار شماره (۴): نسبت جنسی گروه‌های سنی ازدواج بر اساس تعداد جمعیت هرگز ازدواج نکرده (سرشماری ۱۳۸۵)



منبع: محاسبه شده بر اساس نتایج سرشماری ۱۳۸۵ کل کشور

نمودار فوق نسبت جنسی به تفکیک گروه‌های سنی را نمایش می‌دهد. اگر فاصله سنی زوجین را ۵ سال فرض نماییم، برای گروه‌های سنی ۲۵-۲۹، ۳۰-۳۴ و ۳۵-۳۹ ساله، نسبت جنسی تقریباً ۴۰ می‌باشد؛ یعنی در مقابل هر ۱۰۰ زن در گروه‌های سنی فوق تقریباً ۴۰ مرد وجود دارد. با این فرض که میانگین فاصله سنی زوجین صفر سال باشد، منحنی نیز دارای نوسان غیر واقعی است. بنابراین با توجه به وضعیت دایره همسرگزینی به لحاظ سنی در ایران، استفاده از روش نسبت جنسی به تفکیک گروه‌های سنی با در نظر گرفتن میانگین تفاوت سنی زوجین، برای نشان دادن تعادل یا عدم تعادل نسبت جنسی در سنین ازدواج، منجر به خطا می‌شود.

در ادامه برای بهتر نشان دادن تعادل یا عدم تعادل در نسبت جنسی در سنین ازدواج از نسبت جنسی برای کل جمعیت واقع در سنین ازدواج<sup>۱</sup> با فرض ۵ سال میانگین تفاوت سنی زوجین استفاده شده که نسبت به شاخص‌های دیگر با توجه به دایره همسرگزینی در ایران به واقعیت نزدیک‌تر است.

### جدول شماره (۲): نسبت جنسی کلی افراد در سن ازدواج بر اساس

#### سرشماری ۱۳۸۵

سال	۱۳۸۵	۱۳۹۰	۱۳۹۵
نسبت جنسی	۸۹/۷	۹۸/۹	۱۰۸/۵

منبع: محاسبه شده بر اساس نتایج سرشماری ۱۳۸۵ کل کشور

در جدول شماره (۲)، مبنای محاسبه نسبت جنسی، تعداد جمعیت در سن ازدواج (ازدواج کرده و ازدواج نکرده) با فرض ۵ سال فاصله سنی زوجین می‌باشد. نسبت جنسی برای سال ۱۳۸۵ از تقسیم تعداد جمعیت مرد ۲۰-۳۹ ساله (۱۳۵۲۱۵۳۲) بر تعداد جمعیت زن ۳۴-۱۵ ساله (۱۵۰۶۳۷۷۸) بدست آمده که برابر با ۸۹/۷ می‌باشد؛ یعنی در مقابل هر ۱۰۰ زن تقریباً ۹۰ مرد در سن ازدواج وجود دارد. بررسی تعادل یا عدم تعادل نسبت جنسی در سال ۱۳۹۰ و ۱۳۹۵ با استفاده از پیش‌بینی جمعیت سرشماری ۱۳۸۵ برای سال‌های مذکور صورت گرفته است. با این پیش فرض که عوامل مؤثر بر افزایش یا کاهش جمعیت برای هر دو جنس یکسان است، برای محاسبه نسبت جنسی افراد در سن ازدواج در سال ۱۳۹۰، از تعداد جمعیت ۳۴-۱۵ ساله مرد و ۲۹-۱۰ ساله زن سرشماری ۱۳۸۵ استفاده گردید که در آن، نسبت جنسی بدست آمده تقریباً برابر با ۹۸/۹ است؛ یعنی با فرض ثابت بودن مرگ و میر و عوامل جمعیتی دیگر مؤثر بر کاهش یا افزایش جمعیت، در سال ۱۳۹۰ به ازای هر ۱۰۰ زن در سن ازدواج (۳۴-۱۵ ساله) ۹۹ مرد در سن ازدواج (۳۹-۲۰ ساله) وجود خواهد داشت.

۱. منظور هم جمعیت ازدواج کرده و هم جمعیت ازدواج نکرده است.



برای محاسبه نسبت جنسی افراد در سن ازدواج (مرد ۲۰-۳۹ ساله و زن ۱۵-۳۴ ساله) در سال ۱۳۹۵ از جمعیت ۱۰-۲۹ ساله مرد در سال ۱۳۸۵ (۱۶۰۵۶۱۶۴ نفر) و جمعیت ۲۴-۵ ساله زن در سال ۱۳۸۵ (۱۴۷۳۹۳۱۳ نفر) استفاده شده است. نسبت جنسی بدست آمده برای سال ۱۳۹۵ برابر با ۱۰۸/۵ می‌باشد؛ یعنی در سال ۱۳۹۵ به ازای هر ۱۰۰ زن در سن ازدواج، تقریباً ۱۰۸ مرد وجود خواهد داشت. بنابراین، با توجه به نتایج بدست آمده به نظر می‌رسد استفاده از نسبت جنسی برای کلیه گروه‌های سنی در سن ازدواج از روش محاسبه به تفکیک گروه‌های سنی، مناسب‌تر است. پس می‌توان نتیجه گرفت که تا سال ۱۳۹۰ تقریباً مضیقه یا تنگنای ازدواج برای دختران وجود دارد و در دهه ۱۳۹۰ این تنگنا برای پسران خواهد بود.

## ۶) نتیجه‌گیری

تغییر و تحولات وضعیت ازدواج و زناشویی در ایران را می‌توان هم به عوامل مرتبط با توسعه (مانند افزایش سطح تحصیلات و آموزش، اشتغال زنان، وضعیت اقتصادی، بیکاری جوانان) و هم به انتقال دموگرافیک و نتایج ناخواسته آن (مانند نوسان باروری، تغییرات ترکیب و ساختمان سنی و مضیقه ازدواج) نسبت داد. این دو عامل جدا از هم نیستند و از یکدیگر تأثیر می‌پذیرند. تأثیر عوامل مرتبط با توسعه در وضعیت ازدواج و زناشویی بیشتر به تأخیر ازدواج و افزایش سن ازدواج منجر می‌شود، اما اثر انتقال دموگرافیکی و تغییر ترکیب سنی بیشتر به مضیقه یا تنگنای ازدواج منجر می‌گردد. در این مقاله با استفاده از تحلیل ثانویه داده‌های سرشماری‌ها، به ویژه سرشماری ۱۳۸۵، به بررسی دو موضوع تأخیر در ازدواج و مضیقه ازدواج در جمعیت ایران پرداخته شده است. شاخص‌های افزایش میانگین سن ازدواج و کاهش نسبت جمعیت حداقل یکبار ازدواج کرده، نشان دهنده تغییرات وسیعی در وضعیت ازدواج و زناشویی در سال‌های اخیر بوده و فرضیه تأخیر در سن ازدواج را تأیید می‌کند. شاخص‌های متداول فوق در تحلیل وضعیت ازدواج، بیشتر متأثر از ترکیب سنی جمعیت است و اطلاعات کلی حاصله، برای مقایسه زیر جمعیت‌های مختلف قابل استفاده نمی‌باشد. لذا برای بررسی بیشتر تحلیل وضعیت ازدواج و تأثیر آن از دو متغیر

آموزش و تحصیلات، از نسبت جمعیت ازدواج نکرده افراد ۲۰-۳۴ ساله بر حسب تحصیلات به تفکیک مناطق شهری و روستایی استفاده شده است. نتایج نشان می‌دهد که نسبت جمعیت ازدواج نکرده برای هر دو جنس در مناطق روستایی بیش از مناطق شهری است. به نظر می‌رسد که تحصیلات عالی در مناطق روستایی بیشتر از مناطق شهری بر وضعیت ازدواج تأثیر گذاشته است. ذکر این نکته ضروری است که افزایش جمعیت زنان ازدواج نکرده در مناطق روستایی نسبت به مناطق شهری، به مهاجرت مردان جوان جویای کار نیز مربوط می‌شود که این امر منجر به از دست رفتن شانس ازدواج برای دختران در مناطق روستایی می‌گردد. هر چند با توجه به نتایج نمودار شماره (۲) می‌توان گفت تأثیر تحصیلات بر افزایش نسبت جمعیت زنان ازدواج نکرده بیشتر از تأثیر مهاجرت است، اما این امر نیازمند مطالعه و بررسی بیشتری است. برای بررسی مضیقه ازدواج در ایران، الگوی همسرگزینی به لحاظ سنی مورد بررسی قرار گرفت. نتایج نشان می‌دهد که دایره همسرگزینی در ایران در یک گستره سنی وسیع انجام می‌گیرد، بنابراین، استفاده از نسبت جنسی ساده به تفکیک گروه‌های سنی با در نظر گرفتن یک میانگین مشخص برای محاسبه مضیقه ازدواج، دارای خطا می‌باشد. بدین منظور، برای نشان دادن توازن یا عدم توازن نسبت جنسی (مضیقه یا تنگنای ازدواج) از شاخص نسبت جنسی کلی سنین ازدواج استفاده شده است (یعنی پسران ۲۰-۳۹ ساله نسبت به دختران ۱۵-۳۴ ساله با فرض ۵ سال فاصله سنی زوجین). نتایج، تناسب بیشتری با واقعیت ازدواج در جامعه ایران دارد. با توجه به محاسبات انجام شده تا سال ۱۳۹۰، تقریباً مضیقه یا تنگنای ازدواج برای دختران وجود دارد و در دهه ۱۳۹۰ این تنگنا برای پسران خواهد بود، اما شدت این مضیقه چندان زیاد نمی‌باشد. مضیقه ازدواج سطوح (نسبت جمعیت ازدواج کرده) یا مضیقه ازدواج توزیع (تفاوت بین متوسط سن ازدواج مردان و زنان) ازدواج‌ها را به شیوه مورد انتظار مدل‌های نظری تغییر نمی‌دهد. مضیقه بازار ازدواج می‌تواند از طریق مکانیسم‌های مختلفی برطرف گردد. تداوم و تسری تأخیر در ازدواج دو جنس می‌تواند بازار ازدواج را از طریق فشرده‌تر کردن رقابت نسل‌ها نامتعادل کند و بر توزیع آنها تأثیرات چشمگیری گذارد، اما جوانان علی‌رغم فشارها و محدودیت‌های موجود، خود را با توزیع سنی همسران در دسترس و موجود سازگار خواهند کرد؛ زیرا بازار ازدواج منعطف و قابل تغییر است.

وضعیت کنونی ازدواج در ایران، توزیع الگوی سنی زوجین را تحت تأثیر قرار می‌دهد که برای بررسی آن، گری‌زی از انجام پژوهش‌های علمی نمی‌باشد. همچنین برای بررسی دقیق‌تر مضیقه ازدواج به تفکیک گروه‌های سنی، استفاده از نسبت جنسی وزنی در پژوهش‌های آتی ضروری به نظر می‌رسد.

## فهرست منابع

- ◀ آقا، هما (۱۳۸۳)، «بررسی تحولات سن ازدواج و توازن نسبت های جنسی در سنین ازدواج در ایران»، دومین همایش انجمن جمعیت شناسی ایران، دانشگاه شیراز، ۲۲ و ۲۳ اردیبهشت، شیراز.
- ◀ جعفری مژدهی، افشین (۱۳۸۲)، «عدم تعادل در وضعیت ازدواج در ایران»، فصلنامه پژوهش زنان، دوره ۱.
- ◀ درودی آهی، ناهید (۱۳۸۳)، «بررسی وضعیت ازدواج جوانان با استفاده از جداول خالص زناشویی»، دومین همایش انجمن جمعیت شناسی ایران، دانشگاه شیراز، ۲۲ و ۲۳ اردیبهشت، شیراز.
- ◀ سازمان ثبت احوال کشور (۱۳۸۶)، «سالنامه آماری سازمان ثبت احوال سال ۱۳۸۵»، تهران، انتشارات دریای نور.
- ◀ کوششی، مجید (۱۳۸۳)، «مناقشات در مورد تأخیر در ازدواج جوانان»، مجله فرهنگ و پژوهش، شماره ۱۶۹.
- ◀ مرکز آمار ایران (۱۳۸۶): «نتایج سرشماری نفوس و مسکن ۱۳۸۵»، قابل دسترسی در سایت مرکز آمار: <http://www.sci.ir>

- Billige M, S (1991), "The Marriage Squeeze on High-Caste Rajasthani Women", **the Journal of Asian Studies**, Vol. 50, No. 2.
- Davis, P. Oever (1982), "Demographic Foundations of New Sex Roles", **Population and Development Review**, No.3.
- Esteve, A & Cabré, A (2004), "Marriage squeeze and changes in family formation: Historical comparative evidence in Spain, France, and United States in the XXth century", Presented in population association of America, Annual meeting program.
- Goodkind, D (1997), "The Vietnamese double marriage squeeze", **International Migration Review**, Vol. 31, No. 1.
- Schoen, R (1983), "Measuring the tightness of a marriage squeeze", **Demography**, Vol. 20, No. 1.
- Veevers, E. J (1988), "The Real marriage squeeze: Mate selection, mortality, and the mating gradient", **Sociological Perspectives**, Vol. 31.